



University of Tehran Press

Analyzing the Privatization: A Case Study on the Decisions Regarding the Transference of Moghan Agro-industry Company, Biston Petrochemical and Sonqor Silo

Vali Rostami¹ | Mohammad Matin Nateghpour²

1. Professor of law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: vrostami@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; MA. in Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: matinnateghpour@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Privatization as an effective tool for shrinking the government, reducing costs, and increasing people's participation in the country's economic affairs has always been the concern of governors. In Iran, despite the passage of half a century since the enactment of initial legal provisions regarding privatization, a limited number of State-owned enterprises have been transferred to the real private sector, with some encountering significant challenges. In the current research, by reviewing the six decisions of the "Article (30) arbitration panel" and several judicial judgments related to the transfer of three companies "Moghan Agro-industry and Livestock," "Biston Petrochemicals," and "Sonqor Old Silo," with a descriptive and analytical view concerning library sources, we found that irrelevant considerations and the error of fact in the court's judgments, the ambiguity in the jurisdiction between the arbitration panels and courts in claims of compensation for damages, the lack of attention to the sanctity of contracts in the court's decisions and accordingly, the absence of judicial protection from private investors are considered essential flaws in the handling of lawsuits related to transferences. So, it seems impossible to continue moving toward privatization without solving the mentioned issues.
Pages: 1-24	
Received: 2024/03/10	
Received in Revised form: 2024/07/16	
Accepted: 2024/11/11	
Published online: -----	
Keywords: <i>Principle 44, Privatization, Government sale, Arbitrary panel, Judicial decision.</i>	
How To Cite	Rostami, Vali; Nateghpour, Mohammad Matin (2025). Analyzing the Privatization: A Case Study on the Decisions Regarding the Transference of Moghan Agro-industry Company, Biston Petrochemical and Sonqor Silo. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-24. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2024.373552.3493
DOI	10.22059/jplsq.2024.373552.3493
Publisher	The University of Tehran Press.





تحلیل فرایند خصوصی سازی: مطالعه موردی آرای واگذاری کشت و صنعت

مغان، پتروشیمی بیستون و سیلوی سنقر

ولی رستمی^۱ | محمدمتین ناطق پور^۲^۱ استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: vrostami@ut.ac.ir^۲ نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: matinnateghpour@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱-۲۴</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: -----</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصل ۴۴، بیع دولتی، خصوصی سازی، رأی قضایی، هیأت داورى.</p>	<p>خصوصی سازی به عنوان ابزاری راهگشا برای کوچک سازی دولت، کاهش هزینه‌ها و افزایش مشارکت مردم در اداره امور اقتصادی کشور همواره مورد توجه حکمرانان قرار داشته است. در ایران پس از گذشت نیم قرن از ظهور اولین مواد قانونی مرتبط با خصوصی سازی در قوانین موضوعه، تاکنون تعداد کمی از بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی واگذار شده است که برخی با چالش‌های جدی مواجه بوده‌اند. در پژوهش حاضر با نگاه توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای از جمله شش رأی هیأت داورى موضوع ماده ۳۰ و تعدادی از آرای قضایی مرتبط با واگذاری سه شرکت «کشت و صنعت و دامپروری مغان»، «پتروشیمی بیستون» و «سیلوی قدیم سنقر» دریافتیم که ضعف استنادی و استدلال غیرموجه در انشای رأی، ابهام در صلاحیت هیأت‌های داورى و دادگاه‌ها در دعاوی جبران خسارت و واگذاری، بی‌توجهی دادرسان به اصل پایبندی به تعهدات و لزوم قراردادهای و در مجموع، فقدان حمایت قضایی کافی از سرمایه‌گذاران خصوصی از ایرادات مهم در رسیدگی به دعاوی مرتبط با واگذاری‌ها تلقی می‌شوند، به طوری که تداوم حرکت در مسیر خصوصی سازی بدون رفع مسائل مذکور ناممکن به نظر می‌رسد.</p>
<p>استناد</p> <p>موردی آرای واگذاری کشت و صنعت مغان، پتروشیمی بیستون و سیلوی سنقر. مطالعات حقوق عمومی، -- (-)، ۱-۲۴.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.373552.3493</p>	<p>رستمی، ولی؛ ناطق پور، محمدمتین (۱۴۰۳). تحلیل فرایند خصوصی سازی: مطالعه موردی آرای واگذاری کشت و صنعت مغان، پتروشیمی بیستون و سیلوی سنقر. مطالعات حقوق عمومی، -- (-)، ۱-۲۴.</p>
DOI	10.22059/jplsqt.2024.373552.3493
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

از دهه ۹۰ میلادی، تلاش‌ها برای سبک‌سازی دولت جهت غلبه بر بحران‌های اقتصادی در دنیا شدت گرفت. به‌طور کلی، خصوصی‌سازی به معنای فروش و واگذاری مالکیت یا مدیریت بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی قلمداد می‌شود که از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی با واگذاری سهام برخی شرکت‌های دولتی در آلمان و انگلستان آغاز و در ادامه به سایر مناطق اروپا، آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا گسترش یافت و در بسیاری از موارد به افزایش کارایی، مهار تورم، واقعی شدن هزینه خدمات و محصولات و افزایش درآمد دولت‌ها منجر شد (جعفرپور، ۱۴۰۰: ۴۱). خصوصی‌سازی در ایران، ابتدا در قانون بودجه سال ۱۳۵۱ نمایان شد، اما پس از انقلاب سال ۵۷ در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون اجرای این سیاست‌ها بیش از پیش مورد توجه دولتمردان قرار گرفت، لکن در طول این سال‌ها نتایج مطلوبی از اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات خصوصی‌سازی در ایران حاصل نشده است بطوریکه مطابق برخی گزارش‌ها ۱۳ درصد از واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی تعلق دارد (شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۳). این در حالی است که هم‌اکنون، هزینه‌های شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، افزون بر نیمی از مصارف بودجه کل کشور را تشکیل می‌دهند.^۱ پژوهشگران دلایل متعددی را برای عدم توفیق خصوصی‌سازی در ایران برشمرده‌اند (جعفرپور، ۱۳۹۹: ۱۰) که بررسی این دلایل از اهداف پژوهش حاضر خارج است، اما سعی می‌شود تا با نگاه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود و آرای محاکم قضایی و شبه‌قضایی، موانع رویه‌ای در مسیر استقرار و استمرار خصوصی‌سازی در ایران شناسایی و مورد مذاقه قرار بگیرد و بدین‌منظور شش رأی از هیأت داورى موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سه رأی قضایی مرتبط با سه واگذاری «شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان»، «شرکت پتروشیمی بیستون» و «سیلوی قدیم سنقر» بررسی و تحلیل شد. با بررسی ۴۵۰ عنوان مقاله و پایان‌نامه از مجموع نتایج جست‌وجو در تارنمای مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۲، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۳ و کتابخانه ملی ایران^۴ با کلیدواژه‌های «دامپروری مغان»، «پتروشیمی بیستون» و «سیلوی سنقر»، هیچ پژوهش مشابهی ابعاد حقوقی سه پرونده مذکور را بررسی نکرده و مرتبط‌ترین مقالات، به تحلیل جنبه‌های مدیریتی موضوع پرداخته‌اند. صفی‌زاده (۱۳۸۹) ضمن مطالعه وضعیت مالی و عملکردی دامپروری مغان

۱. برای مثال مطابق قانون بودجه در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، به‌ترتیب ۵۴، ۶۱ و ۶۰ درصد از هزینه‌های بودجه متعلق به شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت است.

2. Sid.ir
3. Irandoc.ac.ir
4. Nlai.ir

در دهه ۸۰ شمسی، به مقایسه بهره‌وری شرکت قبل و پس از واگذاری بخش‌هایی از آن به بخش خصوصی اهتمام ورزید و اقدامات بخش خصوصی را عامل بهبود عملکرد شرکت و افزایش توانمندی مدیران دانست. پورحسینقلی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود به بررسی موانع خصوصی‌سازی کشت و صنعت مغان پرداخته و نبود امنیت سرمایه‌گذاری و چالش‌های سیاسی را از اهم موانع واگذاری این شرکت بیان می‌کند. در خصوص پتروشیمی بیستون عمده مطالعات از نگاه مدیریتی و فنی، موضوعاتی را دنبال کرده‌اند و درباره سیلوی سنقر نیز پژوهش‌های زیست‌محیطی غلبه دارد. از این‌رو در پژوهش حاضر در هریک از سه بخش پیش رو به بیان مختصری از وضعیت شرکت قبل از واگذاری، روند واگذاری، مشکلات به‌وجودآمده و سیر دادرسی پرداخته شده و سپس به واکاوی هریک از آرای صادره مبادرت شده است. شایان ذکر است که برخی از آرای هیأت‌های داوری، دادگاه‌ها و اسناد مرتبط از جانب مراجع ذی‌ربط در دسترس قرار نگرفته‌اند که این امر بررسی دقیق‌تر پرونده‌ها را با چالش مواجه ساخته است.

۲. شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان

۱.۲. شرح واگذاری

طرح کشت و صنعت مغان در سال ۱۳۵۱ با هدف توسعه ۶۳ هزار هکتار از اراضی دولتی توسط وزارت کشاورزی آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۵۳ به شرکت سهامی کشت و صنعت و دامپروری مغان تبدیل شد (بصیری خیاوی، ۱۳۹۲: ۱۷). این شرکت در زمان واگذاری با ۳۱۸/۲ میلیارد تومان سرمایه و ۲۷۴۲۱ هکتار زمین تحت اختیار، از بنگاه‌های کلان زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی شهرک‌های کشاورزی بود که پس سپری کردن حدود ۱۰ سال در فهرست واگذاری گروه یک (گروه کارشناسان رسمی، ۱۳۹۶) و برگزاری ۴ مزایده ناموفق در نهایت در مزایده مردادماه ۱۳۹۷، ۹۵ درصد از سهام آن با قیمت ۱۷۵۸ میلیارد تومان توسط شرکت سرمایه‌گذاری توسعه بازار سرمایه تهران خریداری و قرارداد آن منعقد شد (سازمان خصوصی‌سازی، ۱۴۰۰). اما بنابر مصوبه هیأت وزیران و ورود نهادهای نظارتی و امنیتی، قرارداد واگذاری قبلی اقاله شده و قرارداد جدیدی با ثمن معادل ۱۸۴۱ میلیارد تومان به‌صورت نقد و اقساط با برندگان دوم مزایده در تاریخ ۹۷/۱۰/۰۲ منعقد می‌گردد (سازمان خصوصی‌سازی (الف)، ۱۳۹۷). پس از گذشت یک سال از انعقاد قرارداد با خریدار، هیأت واگذاری در جلسه مورخ ۹۸/۱۰/۰۹ با اشاره به بررسی ابهامات مطرح‌شده درباره «قیمت پایه»، «نحوه رجوع به نفر دوم مزایده» و همچنین «اهلیت مالی نفر دوم مزایده» و گزارش‌های متعدد مراجع نظارتی، محاسباتی، امنیتی و قضایی، مطابق ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تصمیم به طرح دعوی ابطال قرارداد واگذاری نزد هیأت داوری می‌گیرد. در دادنامه شماره ۲۵ کلاسه ۹۹/۲۳/دره هیأت داوری به تاریخ ۹۹/۰۷/۲۳ دلائل خواهان با

استناد به گزارش مراجع نظارتی بدین شکل عنوان می‌شود: «۱. سپری شدن مهلت شش‌ماهه کارشناسی قیمت پایه و اختلاف قیمت قابل توجه، ۲. عدم توجه به گزارش وزارت اطلاعات در ارتباط با عدم اهلیت شرکت‌های خریدار و معوقات بانکی آنها، ۳. عدم محاسبه بهای بخشی از واگذاری مازاد بر ۲۷ هزار هکتار ۴. عدم رعایت تشریفات شکلی مزایده».

در ادامه، هیأت داوری بیان می‌دارد که پیش از ختم رسیدگی و اعلام رأی، خواهان تقاضای استرداد دعوی خود را کرد که به صدور دادنامه شماره ۷ مورخ ۹۹/۰۳/۱۲ و قرار سقوط دعوا منجر شد که البته خواهان مجدداً نسبت به قرار فوق اعتراض کرده و شعبه ۲۱ دادگاه عمومی تهران رأی هیأت را نقض و پرونده را جهت رسیدگی ماهوی و صدور حکم به هیأت داوری مسترد می‌کند، از این رو هیأت مذکور مجدداً بابت رسیدگی به پرونده در تاریخ ۹۹/۰۶/۱۲ و ۹۹/۰۷/۱۶ تشکیل جلسه می‌دهد و رأی خود را در دادنامه مورخ ۹۹/۰۷/۲۳ این‌گونه اعلام می‌دارد: «با التفات به بند «ب» ماده ۲۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تبصره آن که مقرر کرده مزایده واگذاری‌های موضوع قانون مذکور در چارچوب قانون مناقصات مصوب ۱۳۸۳ قابل اجراست... و توجه به اینکه برنده اول مزایده پس از برنده شدن و پرداخت حصة نقدی ثمن و ارائه اسناد و مدارک مربوط و انعقاد قرارداد واگذاری با توافق خواهان اقدام به اقاله معامله نموده است، به علاوه به لحاظ مسترد نمودن سپرده شرکت در مزایده به برندگان دوم و سوم عملاً مراحل مزایده مطابق مواد ۹ تا ۲۱ قانون برگزاری مناقصات به اتمام رسیده و واگذاری سهام شرکت مورد مزایده به برنده دوم بدون برگزاری مزایده جدید برخلاف قانون یادشده و سایر قوانین مرتبط با بیع اموال دولتی می‌باشد... بنابراین واگذاری مزبور خارج از روش‌های قانونی و ترتیبات مربوط صورت گرفته...». در ادامه در خصوص اهلیت خریداران بیان می‌کند: «با توجه به اینکه واگذاری موضوع دعوا، مشمول دستورالعمل روش انتخاب مشتریان استراتژیک مصوب ۹۳/۰۵/۲۵ هیأت واگذاری می‌باشد... هیچ‌گونه اقدامی در جهت احراز اهلیت خریداران صورت نگرفته... و علی‌رغم اعلام برخی دستگاه‌های نظارتی مبنی بر اینکه شرکت شیرین عسل و شرکت دامپرووری آذربایجان خاوری مبلغ ۱۲۰۰ میلیارد ریال بدهی معوق به سیستم بانکی داشته‌اند مورد توجه قرار نگرفته است...». در مورد ایراد قیمت‌گذاری که خواهان وارد کرده نیز ابراز می‌دارد: «با التفات به اینکه قیمت‌گذاری سهام توسط کارشناس دادگستری در تاریخ ۹۶/۰۹/۳۰ انجام شده و در جلسه مورخ ۹۶/۱۰/۱۶ به تصویب هیأت واگذاری رسیده و واگذاری به برنده دوم در تاریخ ۹۷/۱۰/۰۲ بعد از گذشت شش ماه صورت گرفته، تبصره ذیل ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری رعایت نگردیده... در نتیجه از لحاظ قیمت‌گذاری سهام مذکور نیز با قانون مذکور و مقررات مربوط مغایرت دارد...» و در انتها حکم ابطال واگذاری شرکت مذکور در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ صادر و اعلام می‌شود (دادنامه شماره ۸۴۵/د/هـ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳، هیأت داوری موضوع

ماده ۳۰. رأی مارالذکر در تاریخ ۹۹/۰۸/۲۱ توسط شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی عمومی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران تأیید و قطعی می‌گردد (دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۸۱۰۰۷۰۴ مورخ ۹۹/۰۸/۲۱، شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی عمومی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران).

۲.۲. نقد و بررسی

مشخص است که پرونده اخیر با موضوع ابطال قرارداد واگذاری، در سه محور «اهلیت خریداران»، «ثمن معامله» و «تشریفات اقامه مزایده» محل اختلاف قرار گرفته است. در زمان نگارش پژوهش حاضر، اطلاعاتی از جزئیات واگذاری مذکور مانند مصوبات هیأت واگذاری در تاریخ ۹۷/۰۴/۲۴ و ۹۷/۰۴/۳۱ مندرج در قرارداد واگذاری و ادله مورد استناد طرفین در پیوست پرونده در دسترس نیست، اما با عنایت به مستندات موجود مواردی جهت تأمل بیشتر در پرونده اخیر بیان می‌شود:

۱. بنابر قرائن موجود در دادنامه هیأت داورى مورخ ۹۹/۰۷/۲۳ و «فرم درخواست شرکت در مزایده شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان» (سازمان خصوصی‌سازی، ۱۳۹۶)، مزایده در تاریخ ۹۷/۰۵/۰۲ به صورت تک مرحله‌ای و با تشریفات ذکر شده در قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ انجام گرفته است. در جزء ۱ بند «الف» ماده ۴ قانون اخیر، مناقصات یک مرحله‌ای را به این شکل تعریف می‌کند: «مناقصه‌ای است که در آن نیازی به ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها نباشد. در این مناقصه پاکت‌های پیشنهاد مناقصه‌گران در یک جلسه گشوده و در همان جلسه برنده مناقصه تعیین می‌شود». همچنین در بند «د» ماده ۹ قید «در صورت لزوم» را برای ارزیابی کیفی در نظر گرفته، همچنین ماده ۱۲ به بیان مصادیق ارزیابی کیفی مناقصه‌گران با اشاره به قید مذکور پرداخته است. از طرفی در آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۵ ذیل مواد ۶ تا ۱۰ به بیان تشریفات جهت انتشار آگهی ارزیابی، دریافت اسناد، استعلام، امتیازدهی و در نهایت دعوت واجدین شرایط به مناقصه مطابق فهرست، پرداخته است که همگی از تشریفات مناقصات دوحله‌ای بوده و صرفاً در مناقصات یک مرحله‌ای پیمانکاری و یا تأمین کالا، کمیسیون مناقصه ملزم به بررسی گواهینامه صلاحیت پیمانکاری و یا ارزیابی استانداردها مطابق مواد ۲۲ و ۲۷ آیین‌نامه مذکور است.^۲

مضافاً، مطابق دستورالعمل موجود برای اهلیت‌سنجی خریداران در زمان انعقاد قرارداد اخیر، سازمان خصوصی می‌توانست پیش از واگذاری بلوک کنترلی و مدیریتی، به اختیار، بنگاه راهبردی را انتخاب و یا

۱. سازمان خصوصی‌سازی علیه شرکت شیرین غسل و دیگران (۱۳۹۹) هیأت داورى. برگرفته از:

https://ipo.ir/uploads/1/2021/Nov/08/28197.pdf. آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.

۲. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۵.

تعیین مشتریان راهبردی را به هیأت واگذاری پیشنهاد کند که در صورت تصویب راهبردی بودن، مشتریان مشمول ضوابط مندرج در آن دستورالعمل می‌شدند.^۱

علاوه بر مواد مذکور مطابق اظهارات مندرج در دادنامه هیأت داوری، پیش از انعقاد قرارداد واگذاری فی‌مابین برندگان دوم مزایده با سازمان خصوصی‌سازی (آذرماه ۱۳۹۷)، اقداماتی در خصوص اهلیت‌سنجی مالی خریداران و استعلام میزان بدهی از بانک ملت صورت گرفته که مطابق استعلام مذکور و همچنین استعلام از مدیریت شعب بانک در استان آذربایجان شرقی هیچ‌گونه بدهی معوق وجود نداشته است (دادنامه شماره ۸۴۵/د/ه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳، هیأت داوری موضوع ماده ۳۰، ص ۳). نکته حائز اهمیت آنکه یکی از پایه‌های استدلال در خصوص ابطال قرارداد واگذاری اخیر در آرای داوری و قضایی، بدهکار بودن خریداران و بی‌توجهی سازمان خصوصی‌سازی نسبت به اهلیت مالی ایشان بود، از این رو سؤالی که مطرح می‌شود آن است که چطور مراجع نظارتی و امنیتی اسنادی مبنی بر بدهکار بودن شرکت‌ها ارائه دادند، درحالی‌که خواندگان با استناد به پاسخ استعلامات فوق‌الذکر دقیقاً خلاف آن را ادعا کردند؟ در آرای مراجع مذکور اشاره‌ای به این ابهام اساسی نشده است و مدارکی به‌منظور مذاقه بیشتر وجود ندارد؛ از این رو با عنایت به جمیع موارد فوق و اینکه خریداران حقوقی اخیر (از جمله شرکت شیرین عسل) از شرکت‌های بنام و با سابقه حوزه کاری خود هستند و مطابق اظهارات ایشان در حدود دو سال پس از واگذاری اشتغال نیروی انسانی و بهره‌وری شرکت افزایش یافته (رعیت‌نواز، مهر ۱۳۹۹)، ایراد عدم اهلیت نسبت به خریداران بر بنیان متقنی استوار نبوده و فاقد ادله قانونی کافی جهت ابطال قرارداد واگذاری است.

۲. هیأت داوری در رأی خود در خصوص ثمن معامله اظهار کرد که قرارداد واگذاری شرکت پس از گذشت مهلت شش‌ماهه تعیین‌شده در تبصره ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ منعقد شده و از این جهت مقررات مرتبط با قیمت‌گذاری رعایت نشده است.^۲ مطابق گزارش کارشناسان در تاریخ ۹۶/۰۹/۳۰ شرکت کشت و صنعت مغان از سه سال منتهی به تدوین گزارش، دو سال در شرایط سودده (در مجموع ۹/۵ میلیارد تومان سود خالص) و سال ۹۵ با زیان ۸/۸ میلیارد تومانی مواجه بوده^۳ و با توجه به پیوست شماره ۳ قانون بودجه ۱۳۹۷ شرکت مذکور با حدود ۴ میلیارد تومان سود قابل پیش‌بینی در فهرست شرکت‌های سودده و سربه‌سر سال ۹۷ پیش‌بینی شده بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۶). با

۱. ماده ۲ دستورالعمل روش انتخاب مشتریان استراتژیک و متقاضی خرید سهام کنترلی و مدیریتی مصوب ۹۳/۰۵/۰۴.

۲. تبصره ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری: «در مواردی که انجام معاملات مستلزم تعیین قیمت عدله روز از طرف کارشناس رسمی است، نظریه اعلام‌شده حداکثر تا شش ماه از تاریخ صدور معتبر خواهد بود».

۳. گروه کارشناسان رسمی (۱۳۹۶)، پیشین، ص ۶.

عنایت به جمیع موارد مذکور، فروش شرکت سودده (یا دست کم سربه‌سر) با ۱۷ درصد زیر قیمت کارشناسی شده سال ماقبل معامله (آذر ۹۶) آن هم با اقساط نه‌ساله با دو سال تنفس در شرایط تورمی، منصفانه به نظر نمی‌رسد؛ هرچند قیمت‌گذاری با توجه به رکود اقتصادی و کمبود تقاضا از جانب بازار انجام شده است.

۳. آنچه در بطلان معامله مذکور از اهمیت بسیاری برخوردار است، رعایت نکردن تشریفات ناظر بر قراردادهای دولتی است که در قوانین متعددی بر آن تأکید شده است. در بخش سوم از قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ با عنوان «معاملات دولتی» طی مواد ۷۹ تا ۸۸ بر رعایت شرایط خاص در مناقصات (مزایدهات) دولتی تأکید شده است. همچنین در بند «ب» ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، کلیه قوا، دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند (اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت کنند)، ملزم به رعایت تشریفات مندرج در قانون مذکور هستند. آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ نیز در مواد ۲ تا ۳۸ به بیان تشریفات خاص مناقصه و مزایده اموال و خدمات دولتی پرداخته است. حتی در موارد ترک تشریفات مناقصه (مزایده) نیز قانونگذار ضوابط خاصی را پیش‌بینی کرده؛ به طوری که مطابق مواد ۲۷ تا ۲۹ قانون برگزاری مناقصات، مناقصه‌گزار ملزم به تشکیل هیأت ترک تشریفات است، مگر در شرایط خاص موضوع ماده ۲۹ ناظر به عدم الزام به برگزاری مناقصه.

۳. شرکت پتروشیمی بیستون

۳.۱. شرح واگذاری

این شرکت نخستین واحد صنعت پتروشیمی در غرب کشور است که در سال ۱۳۸۳ به‌طور رسمی به بهره‌برداری رسید. بنابر مصوبه ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ و تصویب‌نامه مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۸۸ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ۳۰ درصد از مجموع سهام شرکت پتروشیمی بیستون متعلق به شرکت ملی صنایع پتروشیمی به سهام عدالت اختصاص پیدا کرده و ۷۰ درصد از مابقی سهام شرکت مطابق مصوبات هیأت واگذاری در تاریخ‌های ۰۲/۰۵/۸۹، ۲۸/۰۸/۹۰ و ۲۹/۱۱/۹۰ قیمت‌گذاری و برای عرضه عمومی اقدام شد. اما در نهایت به موجب مصوبه ۲۴/۲۵۸۳۲۴/۴۷۱۳۸ هـ مورخ ۲۴/۱۲/۱۳۹۰ هیأت وزیران و قرارداد جمعی مورخ ۲۸/۱۲/۱۳۹۰ به جهت تسویه بدهی به بانک ملت واگذار شد. در ماده ۶ قرارداد اخیر، سازمان خصوصی‌سازی متعهد شد تا رأساً و به وکالت از انتقال‌گیرنده (گروه مالی ملت) سهام بنگاه‌های موضوع ماده ۴ قرارداد - از جمله شرکت پتروشیمی بیستون - را به‌صورت رقابتی عرضه کره و ثمن نقدی پرداخت و چک‌های اقساط را به ایشان

منتقل کند. از این رو این سازمان پس از چهار نوبت انتشار آگهی، در خردادماه ۱۳۹۱ اقدام به واگذاری سهام شرکت پتروشیمی بیستون به چهار شرکت «صنایع خودروسازی ماهر اسپادانا»، «فولاد ماهان سپاهان»، «بازرگانی فیروز صفه سپاهان» و «فروگاز اصفهان» نمود. پس از انجام واگذاری و قطعیت معامله در بورس، نهادهای نظارتی بر صلاحیت و اهلیت خریداران ایراد کرده و سازمان خصوصی سازی از ابلاغ قرارداد مورد معامله به ایشان امتناع کرد. خریداران اقدام به طرح دعوا نزد هیأت داورى موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ کردند که هیأت مذکور در تاریخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۲ رأی به الزام سازمان خصوصی سازی به ابلاغ قرارداد کرد. از طرفی، بانک ملت ضمن اقامه دعوا به طرفیت سازمان نزد هیأت داورى ماده ۳۰، خواستار ابطال قرارداد واگذاری شد که هیأت یادشده در رأی مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۶ این خواسته را مردود اعلام کرد. سازمان خصوصی سازی و بانک ملت به رأی صادره در دو پرونده اخیر اعتراض کرده و شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی با استناد به ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ هر دو رأی صادره از هیأت‌های داورى را نقض و قرار عدم صلاحیت هیأت داورى ماده ۳۰ را صادر کرد. همچنین در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی پرونده به دیوان عالی کشور ارسال گردیده و شعبه ۵ دیوان پس از بررسی مفاد و ضمایم، رأی شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی را تأیید و به منظور پیگیری ادامه مراحل دادرسی، پرونده را به شعبه مذکور ارسال کرد. پرونده‌های موصوف از سوی شعبه ۲۱ به هیأت داورى بازار اوراق بهادار موضوع مواد ۳۶ و ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار ارجاع شد و هیأت مزبور در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ ضمن تأیید آرای هیأت‌های داورى موضوع ماده ۳۰، سازمان خصوصی سازی را ملزم به ابلاغ قرارداد به خریداران کرد و خواسته بانک ملت مبنی بر بطلان قرارداد واگذاری و انتقال ۷۰ درصد از سهام شرکت پتروشیمی به این بانک را مردود دانست (دادنامه شماره ۹۵۱۱۰۰۰۰۳۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ هیأت داورى ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار). به تبع این رأی، هیأت واگذاری در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۰۳ ابلاغ قرارداد واگذاری و امهال اقساط خریداران را تصویب کرده و سازمان خصوصی سازی در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۷ قرارداد جدیدی با طرف معامله منعقد کرد. اما سهام شرکت پتروشیمی بیستون به دلیل آنچه تعویق در پرداخت اقساط واگذاری توسط خریداران اعلام شد، به وکالت از چهار شرکت خریدار از طریق فرایند مزایده و طی قرارداد مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ به شرکت پالایش نفت کرمانشاه واگذار شد. این شرکت در دادخواست مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ استدلال کرد که وجوه مندرج در صورت‌های مالی ارائه شده پیش از خرید شرکت پتروشیمی بیستون جزو دارایی‌های این شرکت نبوده، از این رو اقدام به اقامه دعوا علیه سازمان خصوصی سازی و مطالبه خسارت نزد هیأت داورى ماده ۳۰ کرد که هیأت مزبور طی رأی مورخ ۱۴۰۰/۵/۹ خواسته خواهان را متوجه خوانده ندانست و قرار بر رد آن صادر کرد.

در فرایند واگذاری شرکت پتروشیمی بیستون که پیشتر به اجمال بیان شد، در مجموع چهار رأی از

هیأت داورى ماده ۳۰ و هیأت داورى بازار اوراق بهادار در دسترس است که در ادامه به بررسی شکلی و ماهوی آرای مذکور پرداخته خواهد شد.

۲.۳. نقد و بررسی

۱.۲.۳. دادنامه شماره ۱۶/۹۲/۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۲ هیأت داورى ماده ۳۰

مطابق ماده ۲۰ تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹، «رسیدگی، اظهارنظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری» در صلاحیت هیأت داورى است؛ از این رو خریداران شرکت پتروشیمی بیستون ضمن اقامه دعوا نزد این هیأت، خواستار الزام خواندگان (سازمان خصوصی سازی و بانک ملت) به ابلاغ و تسلیم قرارداد واگذاری سهام شدند. با عنایت به اینکه خواهان‌ها در راستای آگهی منتشرشده در آذرماه ۱۳۹۱ و در چارچوب مراحل قانونی اقدام به شرکت در مزایده و خرید ۶۸ درصد از سهام شرکت مذکور کرده‌اند، از این رو دعوی اخیر از حیث منتفع بودن و اهلیت خواهان‌ها و صلاحیت هیأت داورى نسبت به خوانده ردیف اول (سازمان خصوصی سازی) نافذ و مسموع است. اما خوانده ردیف دوم (بانک ملت) به دلیل اینکه نقشی در فرایند واگذاری نداشته و اساساً انتقال مالکیت شرکت پتروشیمی به ایشان نیز محل تردید است، از این رو دعوا متوجه این بانک نبوده و هیأت داورى در رأی خود به درستی به این نکته اشاره کرده است.

خواهان‌ها در دادخواست خود ضمن اشاره به قطعیت معامله در فرابورس و پرداخت ثمن نقدی و اقساطی معامله مطابق قرارداد و همچنین با استناد به صورت جلسه مجمع عمومی شرکت پتروشیمی بیستون مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۲۳ با موضوع معرفی سهامداران و اعضای جدید هیأت مدیره^۱، خود را واجد حقوق مالکانه دانستند و الزام خوانده ردیف اول به ابلاغ و تسلیم یک نسخه از اصل قرارداد واگذاری را از هیأت داورى تقاضا کردند. سازمان خصوصی سازی در مقام دفاع بیان کرد که اولاً، بر خلاف ادعای خواهان‌ها، قراردادی منعقد نشده است؛ ثانیاً، مطابق آگهی واگذاری نقل و انتقال سهام بر اساس قرارداد صورت می‌گیرد که در این مورد قراردادی وجود ندارد؛ ثالثاً، بر اساس ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد؛ در غیر این صورت انتقال فاقد اعتبار است. هیأت داورى پس از استماع اظهارات طرفین دعوا، این گونه استدلال می‌کند: اول - توضیحات ارائه شده و محتوای پرونده همگی دلالت دارد که «واگذاری به نحو صحیح انجام شده است» و پس از برنده شدن خواهان‌ها و قطعیت معامله با اعلام فرابورس، سازمان خصوصی سازی

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۹۷۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ آگهی تصمیمات شرکت پتروشیمی بیستون سهامی عام به شناسه ملی ۱۰۶۶۰۱۲۱۹۰۶.

آن را تأیید کرده و خریداران با پرداخت ثمن معامله و تمامی اقساط در موعد مقرر، «تعهدات خود را به موقع و به طور کامل ایفا کرده‌اند»؛ دوم - «هیچ دلیل قانع کننده‌ای از جانب سازمان خصوصی‌سازی در قبال عدم انجام تعهدات متقابل و امضای قرارداد واگذاری ارائه نگردیده... و علی‌رغم اعطای فرصت کافی به خواننده ردیف اول جهت اثبات ادعای عدم اهلیت یا صلاحیت یکی از خواهان‌ها تا به حال هیچ دلیلی ارائه نگردیده...». در نهایت با توجه به مراتب مذکور، رأی هیأت داورى به الزام سازمان خصوصی‌سازی صادر و اعلام می‌شود. با عنایت به موارد یادشده، بیان نکاتی حائز اهمیت است:

با توجه به اینکه معامله حاضر از زمره‌ی ایقاعات خارج بوده و با ایجاب و قبول متعاملین انجام پذیرفته است؛ از این رو ضمن رعایت تشریفات قانونی مرتبط با مناقصات و مزایده‌ات دولتی، قرارداد حاضر تابع قواعد مرتبط با عقد بیع است. ماده ۱۹۱ قانون مدنی، صرف توافق اراده‌ها و رضای طرفین را برای انعقاد عقد کافی می‌داند، اما فصل هفتم از دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۱۳ ذیل عنوان «تأیید معاملات»، قطعیت تمامی معاملات اوراق بهادار بورس را منوط به تأیید مدیرعامل آن می‌نماید که در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده ۳۰ این دستورالعمل می‌تواند از تأیید معاملات امتناع نماید. ماده ۲۰ دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران مصوب ۱۳۸۸/۰۶/۰۷ نیز مدیرعامل فرابورس را ملزم به عدم تأیید معاملات در صورت وقوع شرایط مشابه می‌نماید. به نظر می‌رسد که مقررات تعیین شده در دستورالعمل‌های فوق‌الذکر مغایر قواعد بالادستی مندرج در قانون مدنی باشد، اما قانونگذار، هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار را به‌عنوان نهاد ناظر واجد صلاحیت تشخیصی دانسته و بدین ترتیب می‌توان معاملات عمده در بازارهای بورس و فرابورس را عقود تشریفاتی مفروض داشت. اهمیت رعایت تشریفات در معاملات اوراق بهادار در رأی مورخ ۱۳۸۸/۰۸/۲۶ شعبه ۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی نیز مشهود است (سلطانی، ۱۳۹۳). با این حال، با فرض صلاحیت سازمان خصوصی‌سازی در واگذاری سهام شرکت مزبور (که در دعوی بعدی بدان پرداخته خواهد شد)، بیع با پرداخت حصه نقدی و تأیید فرابورس واقع شده و قطعیت یافته است. مضاف بر این، صورت جلسه مجمع عمومی که پیش‌تر بیان شد نشان‌دهنده تسلیم مبیع (سهام و مالکیت شرکت پتروشیمی) و قبض آن توسط خریداران است. از این رو با رعایت تشریفات یادشده می‌توان مقصود قانونگذار از وضع ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت را محرز دانست؛ در نتیجه، انکار مالکیت خواهان‌ها به دلیل نبود قرارداد یا عدم ثبت در دفاتر شرکت بلاوجه است؛

موضوع دعوی اخیر الزام خواندگان به ابلاغ و تسلیم قرارداد واگذاری است؛ بنابراین اقامه دلیل جهت اثبات عدم اهلیت و صلاحیت خریداران تناسبی با موضوع دعوی ندارد و چنانچه ذی‌نفعان دلایلی داشته باشند که صحت معامله را تحت الشعاع قرار دهد، می‌بایست در دعوی جداگانه‌ای خواسته خود را مبنی بر

فسخ قرارداد واگذاری اعلام کنند. لذا امهال هیأت داوری به خواندگان جهت ارائه دلایل عدم اهلیت و صلاحیت خریداران مقتضی صدور رأی نبود.

دادنامه شماره ۱۳/۹۳/۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۶ هیأت داوری ماده ۳۰

بانک ملت در دعوی جداگانه‌ای به طرفیت سازمان خصوصی‌سازی و چهار شرکت خریدار سهام پتروشیمی بیستون، ضمن اشاره به مصوبه شماره ۲۵۸۳۲۴/ت۴۷۱۳۸ هـ هیأت وزیران مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴، واگذاری سهام پتروشیمی بیستون به استناد ماده ۶ قرارداد مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸ را نادرست دانست و خواستار صدور رأی بر بطلان اقدامات سازمان مذکور نسبت به واگذاری ۷۰ درصد سهام شرکت و همچنین ابطال قرارداد واگذاری و انتقال سهام مذکور به بانک ملت شد. هیأت داوری در رأی خود ضمن اشاره به مدعی خواهان، خواسته ایشان را به دو دلیل عمده مردود اعلام کرد: ۱. سازمان خصوصی‌سازی با توجه به تکالیف مندرج در ماده ۶ قرارداد واگذاری سهام پتروشیمی بیستون به بانک ملت، بند ۳۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ و ضوابط ماده ۳۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اقدام به واگذاری سهام شرکت مزبور کرده است و «اگر توافقی غیر از این منعقد می‌گردید مغایر قانون بود». ۲. «در خصوص عرضه سهام که از جهت تکرار یا عدم تکرار مزایده بیش از یک‌بار بین خواهان و خواننده ردیف ۱ مورد اختلاف است به موجب تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پیش‌بینی شده «در مواردی که پس از برگزاری دو نوبت مزایده خریداری وجود نداشته باشد واگذاری از طریق مذاکره به موجب مصوبه هیأت واگذاری مجاز است...» که این حکم تکلیف را از جهت چند بار عرضه از طریق مزایده مشخص کرده...» این رأی از چند حیث قابل نقد است:

ابتدا لازم است توضیحی اجمالی در خصوص اموال عمومی و دولتی و ارتباط این مفهوم با شرکت‌های پتروشیمی ارائه شود. «مال» و «مالک» دو رکن حق «مالکیت» هستند، به نحوی که مالکیت، رابطه اعتباری میان موضوع (مال) و مالک است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۴۵). از این رو مالکیت دولتی به معنای عام، شامل اموال دولتی به معنای خاص و اموال و مشترکات عمومی است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۶۷-۸۵). به تعبیر دیگر، اموال عمومی به معنای عام، اموالی است که برخلاف اموال خصوصی متعلق به منفعت عمومی و شخص حقوقی حقوق عمومی باشد که شامل اموال دولتی، اموال شرکت‌های دولتی و اموال عمومی (به معنای خاص) خواهد بود (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۸۴) و در ماده ۲ آیین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ (اصلاحی ۱۳۷۳/۱۰/۰۷) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ از طرفی، بند ۱۷ ماده ۱ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰/۰۳/۲۲ در تعریف امور حاکمیتی صنعت نفت بیان می‌دارد: «اعمال حق حاکمیت و مالکیت

۱. «اموال دولت»: اموالی است که توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی که صددرصد سهام آنها متعلق به دولت است خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می‌آیند.»

عمومی از طرف جمهوری اسلامی ایران بر منابع نفتی و سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و راهبری و نظارت عالی به اقدامات اجرایی در صنعت نفت و پتروشیمی اعم از عملیات بالادستی و پایین‌دستی» که مطابق ماده ۲ این امر بر عهده وزارت نفت قرار گرفته است. لذا شرکت‌های پتروشیمی - که از جمله شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت هستند - در زمره‌ی اموال عمومی محسوب می‌شوند. در این زمینه، اصل ۱۳۹ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد...». همچنین برابر ماده ۴۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد...». رویه محاکم دادگستری (میرزاژاد جویباری، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۸)، نظریات شورای نگهبان (فتاحی، ۱۳۹۴: ۸۱) و دکترین صاحب‌نظران حقوقی جملگی مبین آن است که ارجاع اموال عمومی و دولتی جهت حل و فصل اختلافات به نهاد داوری مستلزم تحقق دو شرط اساسی است: اولاً، تراضی و اراده طرفین قرارداد نسبت به ارجاع اختلافات به داوری به موجب بندهای مشخصی از قرارداد؛ ثانیاً، صدور مجوز اقامه داوری توسط هیأت وزیران در قالب مصوبات قانونی. اما سؤالی مطرح می‌شود که آیا دعاوی مرتبط با واگذاری سهام یا اموال منقول و غیرمنقول شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی به بخش خصوصی نیز مشمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی و سایر مواد قانونی مرتبط می‌شود؟ ماده ۲۰ تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هر یک از تصمیم‌ها در امر واگذاری را در صلاحیت هیئت داوری تعیین کرده است. این الزام قانونگذار در رجوع متعاملین به هیأت‌های داوری در تعارض با اصل ۱۳۹ و قوانین مارالذکر است (فتاحی، ۱۳۹۴: ۱۴۹)، اما چنانچه این تضاد را استثنایی در جهت بهبود فرایندها و دادرسی سریع‌تر و کیفی‌تر بدانیم، در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی‌کند. شرکت پتروشیمی بیستون به عنوان یک شرکت دولتی طی مصوبه هیأت وزیران از شرکت ملی صنایع پتروشیمی (وابسته به وزارت نفت) به یک نهاد دولتی دیگر (بانک ملت)^۱ «منتقل» شد و این امر تفاوت مشخصی با مفهوم «واگذاری» به بخش تعاونی یا خصوصی دارد. از این رو انتقال اخیر به موجب عمل یک‌جانبه مقامات صلاحیت‌دار دولتی مطابق فصل پنجم قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ انجام گرفته و هیأت داوری ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ صلاحیت رسیدگی به دعوی موصوف را نداشته است. بدین سبب

۱. هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۶/۰۴/۳۱ واگذاری حداکثر ۵ درصد از سهام بانک ملت را تصویب کرد که در زمان انتقال شرکت پتروشیمی بیستون کمتر از ۳۰ درصد از سهام بانک متعلق به بخش خصوصی بوده و در حال حاضر نیز سهامدار عمده این بانک، دولت است.

شایسته بود هیأت مذکور قرار عدم صلاحیت صادر کرده و یا شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی ضمن ابطال رأی هیأت داورى ماده ۳۰، به جای ارجاع پرونده به هیأت داورى بازار اوراق بهادار خود به اصل دعوا ورود می کرد.

در بخشی از تصویب نامه شماره ۲۵۸۳۲۴/ت۴۷۱۳۸ هـ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ هیأت وزیران می خوانیم: «سازمان خصوصی سازی سهام بنگاه ها، اموال و دارایی های مندرج در جدول یادشده که قبلاً عرضه شده و فروش نرفته است را مستقیماً با قیمت مصوب به بانک مزبور واگذار نماید و برای بنگاه هایی که تاکنون برای واگذاری عرضه نشده، با رعایت شرایط عمومی واگذاری ها و رأساً به وکالت از بانک مزبور به صورت رقابتی عرضه نماید...»^۱. در ادامه تصریح می کند: «از تاریخ ابلاغ این تصویب نامه، حقوق مالکانه بنگاه ها، اموال و دارایی های مندرج در جدول یادشده متعلق به انتقال گیرنده می باشد.» مطابق آمار ارائه شده توسط سازمان خصوصی سازی (سازمان خصوصی سازی (ب)، ۱۳۹۷)، سهام پتروشیمی بیستون دو مرتبه پیش از مصوبه هیأت وزیران و یک مرتبه پس از آن^۲ در فرابورس عرضه شده که هر سه مرتبه توفیقی در فروش حاصل نشد. از طرفی، مطابق قواعد مرتبط با شرکت های سهامی عام، مالک آزادی کامل در خرید و فروش سهم خود دارد (فرحناکیان، ۱۴۰۱: ۷۴۰) و این امر متوقف بر اجازه هیأت مدیره یا مجامع عمومی نیست و شرکا نمی توانند بر خلاف ماده ۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ توافق کنند (اسکینی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). از این رو اقدام سازمان خصوصی سازی در واگذاری سهام پتروشیمی بیستون به خوانندگان دعوی حاضر، بر خلاف مصوبه هیأت وزیران، تشریفات ناظر بر انتقال اموال دولتی و قواعد آمره بوده و هیأت داورى می بایست در این مورد رأی مقتضی صادر می کرد.

۳.۲.۳. دادنامه شماره ۹۵۱۱۰۰۰۳۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ هیأت داورى ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار

پس از ارجاع اعتراض خواهان و خوانندگان دو پرونده مذکور به شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی، شعبه مذکور آرای صادره توسط هیأت های داورى را ابطال و قرار عدم صلاحیت صادر کرد. همچنین پس از اجرای ماده ۲۸ آیین دادرسی مدنی و تأیید رأی شعبه ۲۱ توسط دیوان عالی کشور، پرونده های مذکور به منظور رسیدگی مجدد به هیأت داورى بازار اوراق بهادار ارسال شد. هیأت مزبور پس از بررسی پرونده و استماع اظهارات طرفین دعوا، ادعای سازمان خصوصی سازی مبنی بر عدم اهلیت

۱. در زمان ابلاغ مصوبه حاضر، منع قانونی برای واگذاری سهام بنگاه های دولتی به سبب رد دیون (موضوع بند ۴ ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴) وجود نداشت. ر.ک: قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه [...]

اجرای سیاست های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸

۲. تاریخ های ۱۳۸۹/۰۶/۱۳، ۱۳۹۰/۱۰/۱۸ و ۱۳۹۱/۰۲/۰۲

خریداران را فاقد ادله کافی دانسته و سازمان را ملزم به ابلاغ و تسلیم قرارداد به خریداران کرد. همچنین در خصوص دعوی فی مابین بانک ملت و سازمان خصوصی سازی به خواسته ابطال قرارداد واگذاری و انتقال سهام مذکور به بانک ملت، هیأت داورى اقدامات سازمان را در راستای اجرای مصوبه مورخ ۹۰/۱۲/۲۴ هیأت وزیران، ماده ۶ قرارداد میان سازمان و بانک ملت مورخ ۹۰/۱۲/۲۸ و مطابق قوانین و مقررات از جمله تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ دانست. در نتیجه، رأی به رد خواسته بانک مزبور صادر کرد. دادنامه حاضر، چکیده ای از دو رأی پیش از خود است لذا نقدهای شکلی و ماهوی وارد بر آرای قبلی بر این دادنامه نیز وارد است. اما این نکته شایان ذکر است که به صرف اعطای وکالت در فروش به سازمان خصوصی سازی مطابق ماده ۶ قرارداد، اقدام به واگذاری مجاز نمی شود، چراکه بیع اموال دولتی مستلزم تشریفات است که پیشتر به آنها اشاره شد و در معامله اخیر رعایت نشده است.

۳.۲.۴. دادنامه شماره ۱۱/۹۹/۴۵/دره-مورخ ۰۹/۰۵/۱۴۰۰ هیأت داورى ماده ۳۰

سازمان خصوصی سازی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ به وکالت از خریداران قبلی اقدام به واگذاری مجدد ۶۸ درصد از سهام شرکت پتروشیمی بیستون کرد که به موجب قرارداد ۲۷۸۱۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ به شرکت پالایش نفت کرمانشاه واگذار شد. این شرکت در آذرماه ۱۳۹۹ دعوی به طرفیت سازمان خصوصی سازی اقامه کرد و خواستار محکومیت خوانده به پرداخت خسارات ناشی از اقدامات خریداران قبلی شد. خواهان مدعی شد که گروه صنعتی ماهان سپاهان (کنسرسیومی از چهار شرکت خریدار قبلی) اقدام به تأسیس شرکت های صوری در کشورهای دیگر کرده که بخشی از سرمایه شرکت پتروشیمی بیستون معادل مبلغ خواسته را به عنوان دارایی به حساب آن شرکت ها منتقل کرده که این امر در صورت های مالی ارائه شده پیش از واگذاری بیان نشده بود. هیأت داورى در رأی خود اظهار می دارد: «... وجه موضوع خواسته در صورت های مالی و گزارش ارزیابی اولیه جزو دارایی های شرکت پتروشیمی بیستون ذکر گردیده و این موضوع مورد قبول خواهان نیز می باشد، بنابراین کتمان اطلاعات و وقایع مالی از طرف خوانده واقع نشده و احراز نمی شود... خواهان که خریدار شرکت پتروشیمی بیستون است، مطابق قانون برای پیگیری و وصول حقوق و مطالبات شرکت مورد واگذاری قائم مقام قانونی فروشنده می باشد و اختیار اقامه دعوا دارد، بنابراین دعوا متوجه خوانده نمی باشد... پیگیری حقوق و مطالبات شرکت از اشخاص ثالث توسط خریداران جدید خارج از شرایط و تعهدات قرارداد واگذاری است و در صلاحیت رسیدگی این هیأت نمی باشد. در مجموع دعوی قابل استماع نبوده و قرار رد آن صادر و اعلام می شود». درباره این دادنامه، بیان نکاتی درخور توجه است:

۱. خواسته به میزان حدود ۶۹۷ میلیارد تومان در زمان تقدیم دادخواست برآورد می شود.

با عنایت به بند «ب» ماده ۹ دستورالعمل نحوه تنظیم قراردادهای واگذاری^۱ مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۹ هیأت واگذاری، سازمان خصوصی سازی متعهد می گردد در واگذاری های اقساطی پس از دریافت حصه نقدی معامله و تضامین یادشده در دستورالعمل مزبور نسبت به انعقاد قرارداد، امضا دفتر نقل و انتقال مالکیت و «انتقال قانونی اوراق یا اسناد مالکیتی به نام خریدار (خریداران) به تاریخ برنده شدن آنها» اقدام کند. این امر نشان دهنده انتقال حقوق مالکانه به خریدار پس از انعقاد قرارداد و پرداخت بخشی از ثمن معامله است، اما مشابه هر معامله دولتی دیگر، تشریفاتی به منظور رعایت غبطه بیت المال و مصالح عمومی لحاظ می شود که ماده ۲۵ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ بدان اشاره می کند. همچنین بند «الف» ماده ۶ دستورالعمل نحوه نظارت پس از واگذاری مصوب ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ هیأت واگذاری به عدم قطعیت انتقال سهام و «عدم آزادسازی کامل مورد معامله» تا تحقق شرایط و تعهدات اشاره ضمنی می کند.^۲ بند ۳ ماده ۶ و بندهای ۳، ۴، ۵، ۸ و ۱۱ ماده ۸ قرارداد مورخ ۹۶/۰۶/۰۷ فی مابین سازمان خصوصی سازی و خریداران گروه صنعتی ماهان سپاهان مشتمل بر وکالت بلاعزل و اختیار تام سازمان در انتقال مالکیت یا ثمن سهام مورد واگذاری، اسقاط کلیه حقوق خریداران مرتبط با حق انتقال سهام به اشخاص ثالث و همچنین سلب هرگونه عمل حقوقی و مادی که حقوق و اختیارات سازمان را تحت الشعاع قرار دهد و تعهد خریداران در حفظ سطح اشتغال کارکنان و نظارت سازمان بر عملکرد خریداران شرکت نشان دهنده مسئولیت گسترده سازمان خصوصی سازی نسبت به شرکت های واگذار شده تا زمان آزادسازی کامل مورد معامله و قطعیت انتقال سهام است. از این رو ایراد هیأت داوری مبنی بر بی توجهی دعوا نسبت به خواننده بر خلاف مستندات قانونی و ادله مذکور است.

بند ۸ ماده ۸ قرارداد میان سازمان خصوصی سازی و چهار شرکت خریدار پتروشیمی بیستون، خریداران را متعهد می سازد که تا زمان تأدیه کلیه اقساط معامله تمامی صورت های مالی، صورت جلسات هیأت مدیره و صورت جلسات مجمع عمومی را به سازمان ارائه کنند و می افزاید: «... به منظور ایجاد شرایط مطلوب نظارت سازمان در اداره مناسب شرکت پس از واگذاری [خریداران] می باید امکان رؤیت مدارک و مستندات لازم و بازدید نمایندگان سازمان را از شرکت و اسناد و مدارک مورد نظر حسب درخواست کتبی آن مهیا سازند». همچنین ماده ۱۲ دستورالعمل نحوه نظارت پس از واگذاری مصوب ۹۶/۱۰/۳۰ ابراز می دارد: «سازمان خصوصی سازی موظف است گزارش اقدامات نظارتی انجام گرفته

۱. عنوان کامل مصوبه، «دستورالعمل نحوه تنظیم قراردادهای واگذاری مشتمل بر تعیین اختیارات و تعهدات طرفین قراردادها، وثایق و تضمین ها، شرایط فسخ یا اقاله و نحوه اعمال تخفیفات و جرائم» است.

۲. «در واگذاری های کنترل اقساطی به استثنای بند ۱۴ ماده ۳ که تا پنج سال پس از واگذاری تحت نظارت قرارداد، سایر مفاد این دستورالعمل تا زمان آزادسازی کامل مورد معامله جاری است.»

مطابق مفاد این دستورالعمل را به صورت شش ماهه و سالانه تهیه و به هیأت واگذاری ارائه نماید». بنابراین، مسجل است که سازمان با علم به وجود خسارات ادعایی خواهان اقدام به واگذاری مجدد کرده و یا دست کم نسبت به انجام وظایف نظارتی خود قصور ورزیده است. از این رو صرف نظر از وصف کیفی و ثبوت خیار تدلیس، جلب دعوی اخیر به دادرسی توسط هیأت داورى جهت جبران خسارت موضوع بند ۴ ماده ۷ قرارداد واگذاری به پالایشگاه نفت کرمانشاه مورد انتظار بود.

برابر ماده ۴۱۶ قانون مدنی: «هریک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند». همچنین مطابق ماده ۴۱۷: «غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد». مطابق نظر مشهور علمای فقه و حقوق، خیار غبن از ابتدای عقد برای مغبون مهیاست و علم وی به کم و کیف غبن موضوعیتی در ثبوت خیار نداشته بلکه طریقیست دارد (صفری و بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۸: ۳۸۴). از طرفی، با توجه به اینکه به هم خوردن تعادل عوضین معامله و جهل مغبون نسبت به میزان واقعی غبن یا ارزش مال از ارکان تحقق خیار غبن تلقی می‌شوند (خلیل‌نژاد کیاسری، ۱۳۹۲: ۷۷؛ بیات، ۱۴۰۲: ۴۰۳) و با عنایت به اینکه خسارت ادعایی خواهان معادل ۱/۵ برابر کل ثمن معامله است، از این رو حدوث غبن فاحش در واگذاری اخیر محرز بوده و حق خیار آن برای خواهان محفوظ است؛ هرچند در قرارداد، مراتبی از خیار غبن (ولو فاحش) را از خود سلب کرده باشد. این موضوع در رأی شعبه یک دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ نیز تبلور یافته است (کیخا و موذنی بیستگانی، ۱۳۹۹: ۲۸۸).

۴. سیلوی ۵۰۰۰ تنی شهرستان سنقر

۱.۴. شرح واگذاری

سیلوی قدیم قائم بتنی سنقر در زمره اموال متعلق به شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۹ زیرمجموعه شرکت بازرگانی دولتی ایران بوده که به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ و ۱۳۹۷/۰۶/۰۳ هیأت واگذاری به میزان ۴/۵ میلیارد تومان قیمت گذاری شد. این سیلو به موجب قرارداد شماره ۲۱۲۰۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۲ به آقای میرجعفر سیدفاضلی به مبلغ ۸/۱ میلیارد تومان نقد و اقساط واگذار شد، اما مالک دولتی از تسلیم مبیع به خریدار ممانعت کرد. دلیل این امر، دستور رئیس جمهور وقت مبنی بر لغو واگذاری شرکت‌های غله و خدمات بازرگانی عنوان شد. اما رئیس وقت سازمان خصوصی‌سازی در نامه شماره ۴۱۲۹/س/خ/م مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ اظهار می‌دارد: «دستور رئیس جمهور محترم مبنی بر توقف، صرفاً معطوف به واگذاری شرکت‌های غله و خدمات بازرگانی بوده [...] و شامل اموال و دارایی‌های زیرمجموعه آن شرکت‌ها (سیلوها) نمی‌گردد...». دادسرای دیوان محاسبات کشور با استناد به دستور

رئیس‌جمهور و گزارش کارشناسان رسمی دیگری، جبران خسارت ناشی از واگذاری را از هیأت مستشاری و طی دادخواست شماره ۴/۱۵۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۸ تقاضا کرد که از رأی هیأت مزبور اطلاعاتی در دسترس نیست. همچنین هیأت داورى ماده ۳۰ در آرای مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ و ۱۳۹۹/۷/۴ بر تحویل سیلو به خریدار و عدم پذیرش فسخ قرارداد مربوطه تأکید کرد. در نهایت، با اعتراض سازمان خصوصی‌سازی به آخرین دادنامه هیأت داورى، شعبه ۲۱ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید بهشتی حکم ابطال واگذاری و فسخ قرارداد مذکور را صادر کرد. در ادامه به بررسی دو رأی اخیر می‌پردازیم.

۲.۴. نقد و بررسی

۲.۴.۱. دادنامه کلاسه ۴۰/۹۸/دره- مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۷ هیأت داورى ماده ۳۰

سازمان خصوصی‌سازی در بهمن‌ماه ۱۳۹۸ دعوا را به طرفیت خریدار سیلوی سنقر اقامه کرد. سازمان با استناد به دستور رئیس‌جمهور وقت و نامه وزیر صنعت، معدن و تجارت در تاریخ ۹۷/۰۴/۲۷ مرتبط با لغو واگذاری شرکت‌های غله و خدمات بازرگانی و سیلوه‌ها و همچنین با اشاره به ادله مطروحه در دادخواست دادرسی دیوان محاسبات (که پیشتر بیان شد)، خواستار فسخ قرارداد واگذاری شد. خواننده، ضمن اشاره به اینکه کلیه تشریفات واگذاری اعم از قیمت‌گذاری، برگزاری مزایده، واریز حصه نقدی و تنظیم سند صلح سیلوی یادشده در دفترخانه اسناد رسمی مطابق قوانین و مقررات جاری انجام شده و با عنایت به نامه رئیس سازمان مبنی بر لازم‌الاتباع بودن مصوبه هیأت واگذاری در فروش سیلوه‌ها، فرایند واگذاری را صحیح قلمداد نموده و خواستار الزام خواهان به اجرای قرارداد و رد درخواست فسخ آن شد. هیأت داورى با استناد به بند ۱ ماده ۱۸ و بند «ب» ماده ۴۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دستورالعمل ویژگی‌ها، شرایط و ضوابط انتخاب کارشناسان قیمت‌گذاری مصوب ۱۳۸۹/۰۱/۳۰ هیأت عامل سازمان، تصویب قیمت را از اختیارات هیأت واگذاری و مطابق دستورالعمل‌های موجود قلمداد کرد و سازمان را ملزم به تحویل سیلو و متعلقات به خریدار دانست و در نهایت رأی به رد خواسته خواهان در فسخ قرارداد صادر و اعلام کرد.

هیأت داورى به درستی به دعوا ورود کرده و خواسته خواهان را مردود اعلام کرد؛ چراکه تمامی فرایندهای مربوط به واگذاری از جمله قیمت‌گذاری با در نظر گرفتن مصالح عمومی، توسط کارشناسان رسمی و از مجرای قانونی انجام گرفته است. از این‌رو چنانچه خسارتی بابت تصمیمات و اعمال مجریان و دستگاه‌های دولتی بر بیت‌المال وارد شده، باید در دعوای جداگانه و به طرفیت وزارتخانه متولی امر، هیأت واگذاری و سازمان خصوصی‌سازی به این موضوع رسیدگی شود. ناگفته پیداست که حق مالک جدید بر خلع ید متصرف و مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف محفوظ است؛ اگرچه استیفای مطالبات مذکور از متصرف دولتی، دارای جایگاه معینی در رویه قضایی محاکم نیست (احمدزاده، ۱۳۹۵: ۶۸).

۲.۲.۴. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۸۱۰۰۵۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی**حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران**

پس از اعتراض سازمان خصوصی سازی به رأی هیأت داورى ماده ۳۰، دادرس شعبه مذکور ضمن استناد به کیفرخواست دادسرای دیوان محاسبات و تخلف رئیس سازمان و هیأت عامل، قیمت واقعی مورد واگذاری را ۱۲/۸ میلیارد تومان و بالاتر از ثمن معامله انجام شده دانست و با احراز وقوع «غبن فاحش» در قرارداد اخیر، حکم به ابطال واگذاری و تنفیذ فسخ قرارداد صادر کرد. رأی اخیر از چهار حیث قابل نقد است:

مستند اصلی دادرس شعبه ۲۱ در احراز غبن فاحش، ادله طرح شده در کیفرخواست دادسرای دیوان محاسبات بوده، و نه لایحه اعتراضیه خواهان یا قرار هیأت مستشاری دیوان. در واقع، به دادخواستی استناد شده که هنوز در مقام تراغ میان طرفین دعوا قرار نگرفته، ادعاها اثبات نشده و رأی مقام صالح درباره آن اعلام نشده است. از طرفی، سازمان خصوصی سازی در دادخواست پیشین که به هیأت داورى ارائه کرده بود، تصریح می کند که: «دیوان محاسبات به ارزش کارشناسی و قیمت پایه سیلو در هنگام واگذاری مزبور ایراد نموده و بر اساس نظر کارشناس رسمی دیگری که در اختیار سازمان خصوصی سازی قرار نگرفته، ارزش واقعی سیلو را قیمت ... اعلام کرده». اینکه دادگاه ادله مذکور را از جانب سازمان خصوصی سازی (خواهان) مطرح کرده، درحالی که این سازمان از جزئیات گزارش کارشناسی جدید بی اطلاع است و خود، ایراد به قیمت گذاری را وارد نمی داند، محل تأمل است. از این رو بنابر اصل برائت و عنایت به این موضوع که بار اقامه دلیل بر دوش مدعی است، استناد دادرس به ادعای دیوان محاسبات که هنوز به مقام اثبات نرسیده، خواهان نیز آن را تأیید نکرده و در مقام ارائه دلیل بیان نمی کند، مردود است. چنین اقدامی از سوی قاضی می تواند نقض اصل بی طرفی در دادرسی نیز تلقی شود؛

چنانچه تخلفی از جانب رئیس سازمان و هیأت عامل آن صورت گرفته و این تخلفات ارتباطی با خواننده (خریدار سیلوی ستقر) نداشته باشد، تسری این موضوع به فرایند واگذاری و فسخ قرارداد با استناد به آن مغایر اصل شخصی بودن مسئولیت است. اگر تصمیمات و اعمال مقامات یا مأموران دولتی مسئولیت مدنی یا کیفری ایشان را در پی داشته باشد، باید در دعوی جداگانه به آن رسیدگی شود. از این رو ابطال واگذاری و فسخ قرارداد به این بهانه، نقض اصل وفای به عهد و اصل لزوم قراردادهای تلقی می شود؛

مطابق ماده ۴۱۸ قانون مدنی، علم به قیمت عادلانه حین معامله موجب اسقاط خیار غبن خواهد شد. دولت در مراحل مختلف اعم از قیمت گذاری کارشناسان رسمی، تصویب هیأت واگذاری، تصویب هیأت عامل و جلسه مزایده از قیمت واقعی و منصفانه سیلو برای واگذاری اطلاع داشت و با علم به این موضوع اقدام به تنظیم قرارداد کرد. هرچند مبیع به قیمتی بالاتر از قیمت مصوب فروخته شده و از این حیث، فسخ قرارداد با استناد به خیار غبن قابل قبول نیست؛

آن طور که از اظهارات مقامات سازمان خصوصی سازی در پرونده اخیر برمی آید، اراده جدی از جانب وزارت امور اقتصادی و دارایی برای فسخ قرارداد واگذاری وجود نداشته است. هیأت داوری در دو دعوای جداگانه، خواسته فسخ قرارداد را رد و طرفین را ملزم به پایبندی به تعهدات قرارداد کرد. اما شاهدیم که مشابه پرونده های گذشته از جمله واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان، پس از ارجاع پرونده به دادگاه، رأی بدون ادله و مستندات قوی به نفع دولت صادر می شود که این چنین ایرادات شکلی و ماهوی در برخی دیگر از آرای این شعبه نیز مشاهده می شود. مع ذلک باید توجه داشت که اصل بی طرفی محاکم در هر شرایطی ضامن احترام شهروندان به آرای دادگستری و اجتناب از بروز هرج و مرج در جامعه است و عدول از این اصل و سایر اصول بنیادین حقوق موجب ورود لطمات جبران ناپذیری بر پیکره اعتماد عمومی در جنبه های مختلف خواهد شد.

۵. نتیجه

خصوصی سازی به عنوان ابزاری کارآمد، زمینه توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها را فراهم آورده است. در ایران، با گذشت بیش از دو دهه از تصویب قوانین و مقررات مرتبط با خصوصی سازی، شاهد عدم کامیابی در این حوزه هستیم، به طوری که بخش خصوصی واقعی سهم اندکی از واگذاری ها دارد و همچنان، بیشترین سهم از منابع ملی مصروف شرکت ها و مؤسسات دولتی می شود. پژوهش اخیر سعی نمود تا دریچه ای به سوی نقد حقوقی فرایند خصوصی سازی گشوده و آسیب های موجود در برخی از قوانین و مقررات و رویه قضایی را مورد مذاقه قرار دهد. از بین آرای داوری و قضایی مورد بررسی در پژوهش حاضر، چهار رأی داوری و تمام آرای قضایی مبتلا به مسائل شکلی و ماهوی متعددی هستند؛ بی توجهی به قوانین و دستورالعمل های مرتبط با موضوع دعوا، بی توجهی به تشریفات ناظر بر بیع اموال دولتی و تفکیک قواعد مربوط به قراردادهای و ایقاعات، اختلاف در صلاحیت میان هیأت داوری و دادگاه حقوقی در رسیدگی به دعاوی جبران خسارت، انشای احکام بر مبنای استنادات ضعیف، بی توجهی دستگاه های دولتی به آرای صادره از هیأت های داوری و ابطال قراردادهای واگذاری بدون دلایل کافی از جمله مشکلاتی است که بر رسیدگی عادلانه و سریع به دعاوی مرتبط با واگذاری های مذکور سایه افکننده است. به تبع تعمیم برخی از مسائل فوق به کلیت فرایند خصوصی سازی در ایران نیازمند بررسی پرونده های بیشتری بوده که از رسالت این پژوهش خارج است، اما برخی موارد مانند عدم اتقان آرای قضایی، ابطال قراردادهای واگذاری بدون ادله کافی و برخی خلأها و تعارضات قانونی مرتبط با داوری اموال دولتی که پیشتر بیان شد، از جمله مواردی است که کلیت فرایند خصوصی سازی را تحت الشعاع قرار داده و ریسک سرمایه گذاری خصوصی را بالا برده است؛ از این رو پیشنهاد می شود قانونگذار و

مسئولان قضایی راهکاری به منظور رفع نواقص مذکور پیش‌بینی کنند. جمع‌بندی نقدهای مطروحه در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

ایرادات وارده		مشخصات رأی	مورد واگذاری
ماهوی (محتوای رأی)	شکلی (فرایند دادرسی)		
۱. بی‌توجهی به تشریفات مزایده‌های یک مرحله‌ای (قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳)	-	رأی هیأت داورى ماده ۳۰ شماره ۸۴۵/دره مورخ ۹۹/۰۷/۲۳	شرکت کشت و صنعت دامپرورى مغان
۲. ایراد غیرمستدل بر عدم اهلیت مالی خریداران	امهال هیأت داورى به خواندگان جهت تأمین دلیل بر عدم اهلیت خریداران خارج از موضوع دعوى است (ایراد وارد بر فرایند صدور رأی)	رأی هیأت داورى ماده ۳۰ شماره ۱۶/۹۲/۱ مورخ ۹۳/۰۳/۱۲	
نادیده گرفتن حقوق مالکانه بانک انتقال گیرنده و بی‌توجهی به مصوبه هیأت وزیران و تشریفات ناظر بر واگذاری سهام این شرکت	استماع دعوى مرتبط با اموال دولتی توسط هیأت داورى، مغایر با اصل ۱۳۹ و قواعد آمره است	رأی هیأت داورى ماده ۳۰ شماره ۱۳/۹۳/۲۰ مورخ ۹۳/۱۰/۶	شرکت پتروشیمی بیستون
نادیده گرفتن حقوق مالکانه بانک انتقال گیرنده و بی‌توجهی به مصوبه هیأت وزیران و تشریفات ناظر بر واگذاری سهام این شرکت	استماع دعوى مرتبط با اموال دولتی توسط هیأت داورى، مغایر با اصل ۱۳۹ و قواعد آمره است	دادنامه شماره ۹۵۱۱۰۰۰۰۳۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ داورى ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار	
عدم توجه به مسئولیت مدنی سازمان خصوصی‌سازی در قبال بنگاه‌های واگذار شده (ماده ۲۵ ق.ا.س.ا، ۴۴، مواد ۶ و ۱۲ دستورالعمل نحوه	-	رأی هیأت داورى ماده ۳۰ شماره ۴۵/۹۹/۱۱ دره مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۹	

ایرادات وارده		مشخصات رأی	مورد واگذاری
ماهوی (محتوای رأی)	شکلی (فرایند دادرسی)		
نظارت پس از واگذاری مصوب ۹۶/۱۰/۳۰ و مواد ۶، ۷، ۸ قرارداد مورخ (۹۶/۰۶/۰۷)			
۱. مغایرت استدلال دادرس با اصول شخصی بودن مسئولیت، وفای به عهد و لزوم قراردادهای	۱. نقض قاعده بینه	دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۸۱۰۵۳۵	سیلوی ۵۰۰۰ تنی سنقر
۲. بی توجهی به مفاد ماده ۴۱۸ قانون مدنی	۲. نقض اصل بی طرفی در دادرسی	مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران	
۳. مستندات ضعیف؛ استناد به کیفرخواست دیوان محاسبات			

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۸). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، ج ۲، تهران: سمت.
- بیات، فرهاد، بیات، شیرین (۱۴۰۲). حقوق مدنی. تهران: ارشد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). حقوق اموال. تهران: گنج دانش.
- فرحناکیان، فرشید (۱۴۰۱). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۴۰۰). اموال و مالکیت. تهران: میزان.

ب) مقالات

- احمدزاده، مهدی (۱۳۹۵). تصرف اراضی و املاک توسط دولت، دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق خصوصی)، (۲)، ۷۰-۵۹.
- جعفرپور، محمود (۱۴۰۰). بررسی وجوه افتراق و اشتراک خصوصی سازی در ایران و کشورهای منتخب، دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۹(۱۰۷)، ۶۲-۳۹.

۸. جعفرپور، محمود (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران. *دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، (۱۰۴)، ۹-۲۹.
۹. سلطانی، محمد (۱۳۹۳). معاملات عمده سهام در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، ۳(۹)، ۶۳-۱۰۰.
۱۰. صفری، محسن؛ بادکوبه هزاوه، آرش (۱۳۹۸). بررسی فقهی و حقوقی نقش ظهور غبن با مطالعه تطبیقی. *فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی*، ۲(۴)، ۳۴۱-۳۶۱.
۱۱. عبداللهی، حسین (۱۳۹۸). بازتعریف اموال عمومی و آثار آن در نظام حقوقی ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۱(۶۳)، ۶۵-۹۶.
۱۲. فتاحی، مهدی (۱۳۹۴). نسبت بین نظریات تفسیری شورای نگهبان و رویه‌ی قضایی درباره‌ی داوری راجع به اموال عمومی و دولتی. *دوفصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۴(۱۱)، ۶۹-۸۷.
۱۳. کیخا، محمدرضا؛ مودنی بیستگانی، حمید (۱۳۹۹). ارزیابی عوامل مؤثر در تشخیص غبن فاحش و افحش. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۲(۲۲)، ۲۷۷-۲۹۸.
۱۴. میرزائزاد جویباری، اکبر (۱۳۹۴). ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری. *فصلنامه حقوق اداری*، ۲(۸)، ۱۱۵-۱۴۲.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱۵. بصیری خیای، ایرج (۱۳۹۲). بررسی تأثیر شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان در توسعه کشاورزی منطقه. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۱۶. پورحسینقلی، لطیفه (۱۳۹۱). ارزیابی موانع و چالش‌های فرایند خصوصی‌سازی شرکت کشت و صنعت مغان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور تهران شرق.
۱۷. خلیل‌نژاد کیاسری، صابر (۱۳۹۲). خيارات غیرقابل اسقاط و تحلیل مبانی آن در فقه و حقوق موضوعه. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
۱۸. صفی‌زاده، داوود (۱۳۸۹). بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر کارایی در شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور استان تهران.

د) اسناد و گزارش‌ها

۱۹. رعیت‌نواز (۵ مهر ۱۳۹۹). روایت خریدار از ماجرای خصوصی‌سازی کشت و صنعت مغان. *روزنامه خراسان*، ص ۲، برگرفته از: <http://khorasannews.com/newspaper/page/20484/1/707764/0>. آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۳
۲۰. سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۶). پیوست شماره ۳ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، *تارنمای سازمان برنامه و بودجه کشور*.
۲۱. شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی (۱۳۹۹). گزارش آثار فسخ و ابطال واگذاری‌های دولت (خصوصی‌سازی)، ۱۱-۱۳.

هـ) منابع اینترنتی

۲۲. سازمان خصوصی سازی (۱۳۹۶). فرم درخواست شرکت در مزایده شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان، تارنمای سازمان خصوصی سازی، برگرفته از: http://ipo.ir/uploads/1/1_74_1516538056072_moghan.pdf. آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۳.
۲۳. سازمان خصوصی سازی (۱۳۹۷) [الف]، قرارداد فروش ۹۹/۴۵۷۹ درصد سهام شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان، تارنمای سازمان خصوصی سازی، برگرفته از: https://ipo.ir/uploads/1/2021/Nov/08/moghan_0101-gharardad.pdf، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۳.
۲۴. سازمان خصوصی سازی (۱۳۹۷) [ب]، جدول تفصیلی سوابق عرضه شرکت پتروشیمی بیستون، تارنمای سازمان خصوصی سازی، برگرفته از: <http://ipo.ir/uploads/tafsili-bidton.pdf>، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰.
۲۵. سازمان خصوصی سازی (۱۴۰۰). شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان، تارنمای سازمان خصوصی سازی، برگرفته از: B2n.ir/u90391، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.
۲۶. گروه کارشناسان رسمی (۱۳۹۶). گزارش قیمت پایه سهام شرکت کشت و صنعت دامپروری مغان، تارنمای سازمان خصوصی سازی، برگرفته از: B2n.ir/d93219، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳.

و) آرای مورد استناد

۲۷. بانک ملت علیه سازمان خصوصی سازی و دیگران (۱۳۹۳). دادنامه شماره ۲۰ کلاس ۱۳/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۶ هیأت داوری ماده ۳۰.
۲۸. دادنامه شماره ۹۵۱۱۰۰۰۳۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ هیأت داوری ماده (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار.
۲۹. سازمان خصوصی سازی علیه شرکت شیرین عسل و دیگران (۱۳۹۹). دادنامه شماره ۸۴۵/د/ه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳، هیأت داوری موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
۳۰. سازمان خصوصی سازی علیه سیدفاضلی (۱۳۹۹). دادنامه شماره ۵۳۵/۱۰۰۲۲۸۱۰۰۵۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.
۳۱. سازمان خصوصی سازی علیه سیدفاضلی (۱۳۹۹). دادنامه کلاس ۴۰/۹۸/دره مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۷ هیأت داوری ماده ۳۰.
۳۲. شرکت پالایش نفت کرمانشاه علیه سازمان خصوصی سازی (۱۴۰۰). دادنامه شماره ۱۱ کلاس ۴۵/۹۹/دره مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۹ هیأت داوری ماده ۳۰.
۳۳. شرکت ماهور اسپادانا و دیگران علیه سازمان خصوصی سازی و بانک ملت (۱۳۹۳). دادنامه شماره ۱ کلاس ۱۶/۹۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۲ هیأت داوری ماده ۳۰.
۳۴. شیرین عسل و دیگران علیه سازمان خصوصی سازی (۱۳۹۹). دادنامه شماره ۷۰۴/۱۰۰۲۲۸۱۰۰۵۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

References in Persian:

A) Books

1. Bayat, F. Bayat, S. (2023). *Civil Law*. Tehran: Arshad Publication (In Persian).
2. Eskini, R. (2019). *Commercial Law: Trading Corporations*. Vol. 2, Tehran: Samt (In Persian).
3. Farahnakian, F. (2022). *Commercial Law in Current Legal Order*. Tehran: Mizan (In Persian).
4. Jafari Langroudi, MJ. (1991). *Civil Law in Properties*. Tehran: Ganjdanesh (In Persian).
5. Katouzian, A.N. (2021). *Properties and Ownership*. Tehran: Mizan (In Persian).

B) Articles

6. Abdollahi, H. (2019). Redefining Public Properties and Its effects in Iranian Legal system. *Public Law Research*, 21(63), 65-96. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2019.26073.1643> (In Persian).
7. Ahmadzadeh, M. (2016). tasarof arazi va amlake tvasot dolat [Acquisition of lands and properties by the government]. *Review of Jurisprudence (Civil Law)*, (2), 59-70 (In Persian).
8. Fattahi, M. (2015). The Ratio between the Guardian Council's Interpretive Decisions and the Judicial Precedent about the Public and State-Owned Properties. *Public Law Knowledge Quarterly*, 4(11), 69-87 (In Persian).
9. Jafarpoor, M. (2021). Investigating the Differences and Commonalities of Privatization in Iran and Selected Countries. *Commercial Surveys*, 19 (107), 39-62, <https://doi.org/10.22034/bs.2021.246801> (In Persian).
10. Jafarpoor, M. (2020). An Investigation on Results of Privatization in IRAN. *Commercial Surveys*, 18(104), 9-30, <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767562.1399.18.104.1.2> (In Persian).
11. Kaykha, M. R., & Moazzeni Bistagani, H. (2020). Evaluation of Effective Factors in Detecting Enormous Deception and Evident Deception. *Civil Jurisprudence Doctrines*, 12(22), 277-298. <https://doi.org/10.30513/cjd.2020.1125> (In Persian).
12. Mirzanejad Jouybary, A. (2015). Arja'e d'eawa raj'e bh amwal 'omoomi w dolati bh dawari [Referring the claims about public and governmental properties to arbitration], *Administrative Law Quarterly*, 2(8), 115-142 (In Persian).
13. Safari, M., & Baadkoobe Hazaveh, A. (2019). An Islamic Jurisprudential and Legal Survey of the role of lesion with a comparative study (in precedent, foreign laws and international documents). *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 2(4), 341-361. <https://doi.org/10.22034/law.2019.239658> (In Persian).
14. Soltani, M. (2014). Bulk Deals of Stocks in Tehran Stock Exchange and Iran Farabourse Company. *Private Law Research*, 3(9), 63-100 (In Persian).

C) Theses

15. Basiri Khyavi, E. (2013). barresi tathir sherkat kesht w san'et w damperwri moghan dar tows'eh keshawrzi manteqh [Investigating the impact of Moghan Agro-industry and Animal Husbandry Company on the agricultural development of the region]. *Master Thesis*, Azad University of Marvdasht (In Persian).

16. Khalilnejad Kiasari, S. (2013). Khariat gheirqabl asqat w thahlil mbani an dar feqh w hoqwq mwdw'eh [Irrevocable options and analysis of its foundations in jurisprudence and law]. *Master Thesis*, University of Tehran ([In Persian](#)).
17. Poorhussein Gholi, L. (2012). Arzyabi mwan'e w chalesh haa fraynd khswsi sazi sherket kesht w san'et moghan [Evaluating the obstacles and challenges of the privatization of Moghan Agro-industry and Animal Husbandry Company]. *Master Thesis*, Payame Noor University East Tehran Branch ([In Persian](#)).
18. Safizadeh, D. (2010). Barresi tathir khswsi sazi br karaai dr sherket kesht w san'et damperwri moghan [Investigating the impact of privatization on efficiency in the Moghan Agro-industry and Animal Husbandry Company]. *Master Thesis*, Payame Noor University of Tehran Province ([In Persian](#)).

D) Documents

19. Government-Private Sector Dialogue Council (2020). Guzarsh athar faskh w ebtal waguzari haye dowlat (khoswsi sazi) [A report on the effects of government transfers cancellation (Privatization)] ([In Persian](#)).
20. Plan and Budget Organization (2017). Appendix No. 3 of the 2017 budget bill, *Website of the Plan and Budget Organization* ([In Persian](#)).
21. Raiyat navaz. (September 26th, 2020). Rwayat kharidar az majeraa khoswsi sazi kesht w san'et moghan [The buyer's tale from the privatization of Moghan agro-industry], *Khorasan Newspaper*, p.2. <http://khorasannews.com/newspaper/page/20484/1/707764/0> last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).

E) Websites

22. Group of official experts. (2017). Report on the base price of shares of Moghan Agro-industry and Livestock Company, IPO Website, <https://b2n.ir/d93219> , last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).
23. Iranian Privatization Organization. (2017). *Application form for participating in the auction of Moghan Agro-industry and Animal Husbandry Company*, http://ipo.ir/uploads/1/1_74_1516538056072_moghan.pdf , last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).
24. Iranian Privatization Organization. (2018)(a). Sale contract for 99.4579% shares of Moghan Agro-industry and Animal Husbandry Company, https://ipo.ir/uploads/1/2021/Nov/08/moghan_0101-gharardad.pdf , last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).
25. Iranian Privatization Organization. (2018)(b). Detailed table of supplier records of Biston Petrochemical Company, <http://ipo.ir/uploads/tafsili-bidton.pdf> , last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).
26. Iranian Privatization Organization. (2021). Moghan Agro-industry and Livestock Company, <https://b2n.ir/u90391> , last visited: Jan 3, 2023 ([In Persian](#)).

F) Cases

27. IPO vs. Shirin Asal & Ors [2020], Case No. 845, Article (30) Arbitration Panel, (Oct 14, 2020) ([In Persian](#)).

28. IPO vs. Seyed Afzali [2020], Case No. 9909970228100535, Chamber No. 21 of Public Courts in Beheshti Judicial Complex, (Aug 16, 2020) ([In Persian](#)).
29. IPO vs. Seyed Afzali [2020], Case No. 40/98, Article (30) Arbitration Panel, (Jun 27, 2020) ([In Persian](#)).
30. Kermanshah Oil Refining Company vs. IPO [2021], Case No. 45/99, Article (30) Arbitration Panel, (Jul 31, 2021) ([In Persian](#)).
31. Mahor Espadana automotive industry & Ors vs. IPO & Ors [2014], Case No. 16/92, Article (30) Arbitration Panel, (Jun 2, 2014) ([In Persian](#)).
32. Mahor Espadana automotive industry & Ors vs. IPO & Ors [2016], Case No. 9511000034, Article (37) Arbitration Panel, (Aug 15, 2016) ([In Persian](#)).
33. Mellat Bank vs. IPO & Ors [2014], Case No. 20, Article (30) Arbitration Panel, (Dec 27, 2014) ([In Persian](#)).
34. Shirin Asal & Ors vs. IPO [2020], Case No. 9909970228100704, Chamber No. 21 of Public Courts in Beheshti Judicial Complex, (Nov 11, 2020) ([In Persian](#)).